

# غزل‌های پدرانه

روایتی متفاوت از دیدار مجازی  
نمایندگان تشکل‌های دانشجویی با  
رهبر معظم انقلاب



## با عینک انصاف به دیدار رهبری بنگریم!

شد. برخی از مباحث مطرح شده مثل خصوصی‌سازی هم بازتکرار همان حرف‌هایی بود که نمایندگان جریان دانشجویی سال‌های گذشته بدان پرداخته بودند و امسال در پوستین مدرنیته و تغییر ادبیات روایی به محضر رهبر انقلاب ارائه گردید. حضرت آقا هم به صورت ضمنی به این مسئله اشاره کردند و فرمودند که از بیان حرف‌های تکراری و مطالبی که پاسخ آن‌ها در گذشته داده شده است اجتناب کنید.

به نظر من هسته سخت جریان دانشجویی دربرگیرنده سه مولفه بسیار مهم آزاداندیشی، مطالبه‌گری و آرمان‌خواهی است که تشکل‌های دانشجویی باید به داشتن آن افتخار کنند. وجه افتراق جریان دانشجویی با احزاب سیاسی نیز در همین روحیه ناب دوران جوانی نهفته است، چراکه دانشجو قادر است با کمترین تعلقات خاطر به مسائل مادی و با نگاه ارزشی به حل مشکلات نگاه کند، تحلیل کند و در نهایت وارد میدان عمل شود. حال آن‌که عمده فعالیت احزاب سیاسی ناظر به گرفتن امتیاز و سهم خواهی از زنجیره قدرت است. در این راه اجر کسانی که با نیت الهی و برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی وارد فضای جریان دانشجویی می‌شوند بیش از دیگران است. دانشجویانی که در محیط داخل و خارج دانشگاه بی آن که چشم‌داشتی به کسب قدرت و مسائل مادی داشته باشند خودشان را برای انقلاب اسلامی هزینه می‌کنند. به همین جهت دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب مصداق بارز «شفافیت» در عرصه حکمرانی کشور است! شفافیت در عرصه کلام، رفتار و عمل!

شریعتی که می‌گفت: هیچ مصلحتی بالاتر از حقیقت نیست، دانشجویان هم بی‌آنکه ترسی از اخراج، توبیخ یا تنبیه داشته باشند آزادانه و در کمال احترام به ریز و درشت مسائل نقد کردند و برایشان هم فرقی نداشت که موردنقد دستگاه دولتی است یا نهادی ذیل بالاترین مقام رسمی کشور. امسال علی‌رغم اینکه دیدار به صورت مجازی برگزار شد اما دانشجویان با همان حس و حال‌های همیشگی به استقبال از رهبر معظم انقلاب آمدند و به ایراد نظر تشکل‌ها پرداختند. البته ناگفته نماند که امسال به خاطر رعایت مسائل بهداشتی از فضای معنوی حسینیه امام خمینی (ره) محروم شدیم اما بیانات مرادمان آن قدر دلنشین بود که غم و غصه دیدار حضوری را برایمان شیرین ساخت. در یک آسیب‌شناسی کلی باید گفت که متأسفانه جریان دانشجویی در سال‌های اخیر دچار سطحی‌نگری شده است. مسئله‌ای که دیروز هم رهبری بدان تأکید داشتند، مطالبه‌گری توأمان با ارائه پیشنهاد و راهکار است و اگر نه بیان حرف‌های کلی و انتزاعی دردی از نظام مسائل کشور را حل نمی‌کند. سطحی‌نگری از یک سو به معنای پرداختن به مشکلات و مسائل غیروالویت‌دار کشور و از یک سو ارائه راهکارهای غیرعملی و هزینه‌زا برای حل آن‌هاست. به عنوان مثال، پیشنهاد یکی از نمایندگان اتحادیه‌های دانشجویی برای حل مشکل اطلاع‌رسانی و شفافیت در سازمان صداوسیما ایجاد شورایی تحت عنوان «شورای عالی اطلاع‌رسانی» بود. درحالی که می‌دانیم ایجاد نهادهای موازی و اضافه کردن ساختار به ساختار خود منجر به بروز آسیب‌ها و مشکلات دیگری خواهد

را به یدک می‌کشند نظیر چنین دیداری وجود ندارد. در داخل هم، کسانی که درک صحیحی از فضای صمیمی دانشجویان با رهبر انقلاب ندارند سخت است تا باور کنند می‌توان اینگونه صریح و بی‌پرده ارکان حکومت را به نقد کشید و از مشکلات سخن به میان آورد. این‌جا که باشی دلت محکم است هرچه که خواهی می‌توانی نقد کنی! بسیاری از تشکل‌های دولت‌ساخته هر سال به دیدار رهبری می‌تازند و از اساس آن را زیرسوال می‌برند. برای چنین افرادی که به موضوعات شخص‌محور نگاه می‌کنند و نه متن‌محور محتوای جلسه چندان اهمیتی ندارد. چراکه در نگاه آنان تمامی دیدار خلاصه در دانشجویانی است که در محضر رهبر انقلاب سخنرانی می‌کنند. درغیراین صورت باید تا به حال می‌فهمیدند که بسیاری از نقدها و مطالبات سخت‌گیرانه تر از حرف‌هایی است که قرار است توسط هم‌فکرهایشان در جلسه مطرح شود. این افراد همیشه معترض رقابت‌های بین تشکیلاتی را تا حسینیه امام می‌کشاند و نمی‌دانند که در یک فرصت چندساعته امکان بیان همه مشکلات وجود ندارد. این دوستان هنوز نفهمیده‌اند که «آقاجان» گفتن دانشجو پشت تریبون از روی ابراز ادب است نه تملق و چاپلوسی! درحالی که بسیاری از مسئولان کشور با سوءاستفاده از مفهوم مصلحت عمومی و با گفتن این جمله که «پرداختن به فلان مسئله به مصلحت کشور نیست!» از انجام وظایفشان سر باز می‌زنند، یکی از نقاط قوت دیدار دیروز مرزبندی صحیح تشکل‌های دانشجویی با واقعه مصلحت‌اندیشی و واقع‌گرایی بود. به قول دکتر

مهدی خطیب‌داموندی  
کارشناسی ارشد حقوق عمومی

برای فعالان عرصه جنبش دانشجویی، دیدار با مقام معظم رهبری یکی از دلچسب‌ترین اتفاقات دوران دانشجویی است که هر سال قبل از شروع ماه رمضان انتظارش را می‌کشند و برایش لحظه شماری می‌کنند. گرچه، چهره تکراری برخی از دانشجویان که حسینیه امام خمینی (ره) را سرقتی خود می‌دانند و به لحاظ تکثر حضور در دیدارهای پی‌درپی سابقه‌ای برابر با عمر ده ساله جریان دانشجویی دارند منجر به ناراحتی دانشجویان تازه‌وارد می‌شوند، اما هیچ کدام از این حواشی به اصل قضیه خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. جنس چنین دیداری تقریباً متفاوت از تمام دیدارهای رهبری است. باید دانشجو بشنود و تجربه کرده باشید تا تلفیق میان عشق و دلنگری چنین دیداری را درک کنید! دیدار دانشجویان با رهبری دیدار عاشق است با معشوق، دیدار فرزندی است که به شوق روی پدر معنای واقعی کلمه «انتظار» را با تمام وجودش درک می‌کند و فکر نشستن بر روی زیراندازهای حصیری و چشم دوختن به ساعت حسینیه امام خمینی و سردادن شعارهای «ای پسر فاطمه منتظر تو هستیم» ده‌ها خاطره برایش تداعی می‌سازد. کجای این کشور را می‌بینید که جوانی برای دیدن مسئولی لحظه شماری کند، انتظار بکشد و اشک بریزد؟ حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان که نان دموکراسی را می‌خورند و شعار آزادی بیان و آزادی عقیده



علی اسکندری

دبیر اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

پدر نگاه انقلاب و رهبران، مردم همه کاره ی انقلابند. اما سیاست زده‌ها و سیاست‌بازان، به این حرف‌ها اهمیت نمی‌دهند. هم جناح مدعی دموکراسی با نادیده گرفتن رای مردم در فتنه ۸۸ نشان داد ارزشی برای مردم قائل نیست و هم جناح مدعی اصولگرایی که کاهش مشارکت را عامل رای‌آوری خود می‌داند، نشان داده که اعتقادی به خواست و مشارکت فعال مردم ندارد، چنانچه در انتخابات اخیر دیدیم. بگذریم از اینکه نهادها از فلان بخش و رسانه‌های خاص در نیروهای مسلح گرفته تا فلان مجموعه امنیتی، تا برخی ائمه‌ی جمعه هم طبق معمول همیشه پشت این جناح سیاسی درآمدند. ضروری است سازوکاری برای جلوگیری از تکرار همیشگی این دخالت‌ها مشخص شود

دوهفته‌نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
سال دوم / شماره نهم / خردادماه ۹۹

# ویژه‌نامه دیدار رهبری



## دستاورد حقیقی یک دیدار مجازی



نقش جوانان انقلاب اسلامی را بار دیگر گوشزد میکند. در این دیدار بارها به مسئله‌ی پیشرفت علمی و توجه به محیط علمی دانشگاه اشاره شد و این اهمیت بالای علم در کنار حضور جهادی و فعالیت تشکیلاتی را به جوانان و دانشجویان فعال گوشزد میکند؛ نکته‌ای که گاهی از سمت برخی فعالین مورد بی توجهی واقع شده و اساساً مانع ادامه فعالیت و عدم امکان حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مهم برای استعداد های جوان، انقلابی و پویا بعد از دوران دانشجویی میشود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دیدار دانشجویی، نوع برگزاری آن به صورت ویدیو کنفرانس و با حضور جمع کمتری از دانشجویان نسبت به سال‌های گذشته است.

این موضوع اگرچه میتوانست بر میزان ارتباط‌گیری دانشجویان با رهبر انقلاب تأثیر گذار باشد؛ اما از صمیمیت جلسه کم نکرد. همچنین به نظر میرسد، این شیوه سبب شد تا اکثر دانشجویان به شکل واحدی از این بیانات بهره‌مند شوند. هر ساله به دلیل محدودیت ظرفیت بیت رهبری در دیدارهای دانشجویی، صرفاً مخاطب دانشجویان بودند؛ در حالی که در دیدار امسال، مخاطب بیانات رهبری همه جوانان هستند.

میتوان گفت، نوع برگزاری جلسه بر میزان اثر بخشی آن در سطح بین‌المللی افزود. در شرایط حساس و با وجود شیوع بیماری کرونا که مانع برگزاری بسیاری از مراسمات مذهبی و سیاسی شده است؛ دیدار دانشجویان با عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی، با رعایت تمام اقدامات پیشگیرانه برگزار شد و این مهم نشان‌دهنده جوانان تا چه اندازه بر سرنوشت جمهوری اسلامی اثر گذار هستند.

میرسد جریان دانشجویی برای خروج از وضع موجود باید در صدد راهکارهایی سریع‌الوصول باشد تا در مقابل مشکلات و فشارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مقاومت بالایی داشته باشد. مطالبه‌گری همراه با پرخاش، زبان سرخپست که سرسبز را بریاد میدهد؛ اما آرمانی که با مطالبه‌گری درخواست نمیشود روحیه‌ی جوان نسل انقلاب را پژمرده و روز به روز به نابودی میکشد، پس مطالباتی که منطقی، مستدل و بدون خدشه به اصل نظام و همراه با راهکار مناسب و درخور تفکر بیان میشود، میتواند راهگشا و موجب رشد جوانان گردد.

توصیه‌های امسال مقام معظم رهبری، نشان‌دهنده نقش موثر جوانان در خط حمله به دشمن است؛ توصیه‌هایی که یاد شب‌های عملیات و حملات کوبنده به دشمن را در ذهن‌ها تداعی میکند. نیاز به خودسازی و خودمراقبتی دائمی و تقویت مبانی معرفتی یعنی این روزها جوانان دهه‌ی چهارم و پنجم انقلاب، تنها با صلاح تقوا میتوانند پیروز میدان جنگی شوند که حریف با نیرنگ و تزویر به میدان آمده و بر روی مبانی نوپای جوان، معبر می‌چیند.

بیان شرایط جمهوری اسلامی و توصیف دقیق تهدیدها و ظرفیت‌ها موجود از سوی رهبر انقلاب یعنی جنبش دانشجویی سرنوشت‌ساز تر و فعال‌تر از دیروز در عرصه بین‌المللی و داخلی نقش آفرینی میکند و باید این مهم بیشتر مورد توجه دانشجویان قرار گیرد.

همچنین توصیف شرایط کنونی آمریکا در فضای بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت این جلسه در سطح بین‌المللیست. بیان صریح برخی دیدگاه‌ها از سمت رهبری در این زمینه، رسانه‌ای بودن این دیدار و رصد شدن آن توسط دشمنان را نشان میدهد و این موضوع، اهمیت

صراحت و قوت در رفتار با این طیف نشان‌دهنده حضور دشمن برای ایجاد نفاق در میان زنجیره‌ی متصل تفکرات دانشجویان است و تنها مانع ایجاد این نفاق شناخت صحیح و تقویت مبانی انقلاب در دانشجویان است. چند سالی هست که در مقابل مطالبات تند دانشجویان، رهبر انقلاب با صبر و بردباری از این خیل عظیم دانشجویی راهکارهایی را برای خروج از وضع نامطلوب توصیف شده توسط دانشجویان درخواست میکند. این نگاه به جوانگرایی میتواند مقدمه‌ی ورود نسل جدید به عرصه تصمیم‌گیری و بار مسئولیت خطیر بر دوش نسل حاضر باشد و به واقع میتوان گفت، کلید حل بسیاری از مسائل کشور نیز در دست همین جوانان است؛ بنابراین بیان انتقادات به وضع موجود از زبان افسران جنگ نرم بدون ایراد راهکار، از تأثیر جلسه بر سایر ارکان میکاهد؛ کم‌اینکه گاهی انتقادات از روی عدم اطلاع باشد. امسال در کنار این انتقادات موثر و راهگشا، شاهد بیان راهکارهای درخور تفکری بودیم که از نکات مثبت این جلسه است و نشان‌دهنده جنبش‌های دانشجویی فعال‌تر و پویا تر شده‌اند؛ البته این راهکارها گاهی با عملیاتی شدن فاصله داشتند، اما میتوان انتظار داشت در سال‌های آتی این افسران جنگ نرم با راهکارهای عملیاتی‌تر، تبدیل به مدیران ارشد جامعه خواهند شد.

در این دیدار که بستر گفتمان دوطرفه بود، دانشجویان ابهامات خود را مطرح و رهبر انقلاب به تصمیمات اتخاذ شده در آن زمینه‌ها اشاره کردند. هرچند ایشان از اقدامات انجام شده توسط دانشجویان در سال‌های اخیر مطلع هستند اما کارنامه‌ی فعالیت امسال جنبش دانشجویی خالی‌تر به نظر میرسد این مسئله اگرچه عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد اما به نظر

محدثه مصفا  
کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی دماوند

هر ساله دیدار دانشجویان با عالی‌ترین رکن جمهوری اسلامی در ماه مبارک رمضان انگیزه‌ی فعالیت پر شور تری را در رگ‌های جنبش دانشجویی کشور تزریق میکند.

در این دیدار سربازان جنگ نرم فضای دانشجویی، عملکرد یک ساله خود را تقدیم حضور فرمانده کل قوا کرده و با استفاده از بیانات ایشان در جهت حصول آرمان‌های مقدس جمهوری اسلامی تلاش میکنند. میتوان گفت این بزرگترین اجتماع سلیقه‌های مختلف دانشجویی و همچنین آزادترین دیدار دانشجویی با ارکان حکومتیست و به نظر میرسد نتایج برآمده از آن نقش موثری در وحدت تشکل‌ها در سطح دانشگاه ایفا میکند.

نقشی که این سال‌ها بارها از سوی فرمانده به نیروها گوشزد میشود. در کنار وحدت سلیقه‌ها در میان تشکل‌ها، جذب افراد معتقد به مبانی انقلاب و افزایش جبهه‌ی انقلاب با وجود اختلاف سلیقه‌ها نشان‌دهنده‌ی یکی بودن جبهه‌ی تشکل‌های انقلابی در دانشگاه‌هاست؛ اختلاف نظر و تفاوت سلیقه تا زمانی که به هدف اصلی یعنی حفظ و گسترش نظام جمهوری اسلامی، خدشه‌ای وارد نکند مانع جذب و همکاری نیست. جوانان مهم‌ترین موتور حیات جامعه‌اند و این موضوع مورد توجه دشمنان نیز هست. در این میان هستند افرادی که با ایجاد دلدلی و تردید، در مبانی انقلاب سعی در اختلاف‌افکنی در میان این جبهه‌ی به‌هم پیوسته دارند. تأکید رهبر انقلاب به





## ویترینی دیدن نقش مردم در رسانه ملی

سجاد اسدی

دبیر اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

باورداشتن به نقش آفرینی مردم در حکومت، زیربنای بسیاری از چالش های سیاسی روز کشور است. نظام، با برگزاری حدود ۴۰ انتخابات سراسری، پایندی خود را به مردم سالاری دینی اثبات نموده است، اما نقش آفرینی مردم، فراتر از تعارفات معمول، با ایجاد سازوکارهایی برای نظارت آن ها بر دستگاه های مختلف ممکن خواهد شد. ویترینی دیدن نقش مردم، امروز مصادیق مبتذلی دارد؛ مثلا تعریف رسانه ملی از مردم، در بزنگاه هایی، چون انتخابات یا راهپیمایی های ملی، به وضوح با ایام دیگر متفاوت است.

## ویژه نامه دیدار رهبری

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
سال دوم / شماره نهم / خرداد ماه ۹۹

## عدالت و ساختار؟!!

محمدحسین غریبی

کارشناسی مدیریت صنعتی دانشگاه گیلان

نوشته خود را با تعریف دو کلمه «ساختار» و «عدالت» آغاز می نمایم

منظور و تعریف ساختار چه در کتب آکادمیک و دانشگاهی و چه در فهم عامه به این صورت است؛ به الگو یا آرایش یا سازماندهی اجزای مرتبط در یک شیء مادی یا یک سیستم گفته می شود که بر اثر مشاهده یا بازساخت الگو قابل تشخیص و کشف است. تعریف عدالت نیز در رعایت و توجه کردن به حقوق هر ذی حقی است، بنابراین باید نخست موجودی را در نظر گرفت که دارای حقی باشد تا «رعایت» آن «عدل» و تجاوز به آن «ظلم» نامیده شود.

در ابتدای امر در نظاماتی مانند نظام جمهوری اسلامی ساختار باید طبیعتا عدالت محورانه بوده و نه تنها بنای آن بر عدالت باشد بلکه باید بگونه ای تنظیم گردد که حتی عملیات های اجرایی آن نیز تابع عدالت باشد.

خب حال آمدیم و در برهه ای قرار داشتیم که نتوانستیم ساختارها را مطابق با مبانی عدالت تغییر بدهیم و یا مشکلات گستره عظیمی را در بر می گرفت که فرصت اصلاح آن توسط ساختار نبوده، حال باید چه کنیم؟!!

یکی از بهترین راهکارهای ایستادگی در برابر اجاریات ظالمانه، آموزش همگانی حقوق شهروندان است. جمهوری اسلامی گر چه تصمیم گیری هایش در برخی از برهه ها مبتنی و منطبق بر عدالت نیست و در دهه پیشرفت و عدالت به گفته مقام معظم رهبری نمره مطلوبی در عدالت کسب نکرد اما بنای آن عدل است و این فرصتی است برای تمام کسانی که در استضعاف قرار می گیرند.

آموزش همگانی حقوق شهروندی، ساختار و چارچوب های جمهوری اسلامی به مردم یکی از لازمه های عدالت خواهی و مطالبه گری از ساختاری است که تعارضات منافع در آن حل نگردیده و شفافیت بر آن حاکم نشده و تا زمانی که این اتفاق رخ نداده تنها راه درست مطالبه همین راه است.

مقام معظم رهبری همیشه به این موضوع اشاره دارند و می فرمایند: یکی از چیزهایی که ملت ها را همیشه زیون میکند و تحت سلطه دیگران قرار میدهد، این است که نقاط قوت ملت ها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزشهایی، چه توانایی هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. (۱۳۹۲/۰۷/۱۵)

این جمله به ما نشان می دهد تا زمانی که مردم و ملت ها از حقوق و توانایی ها و نقاط قوت خودشان اطلاع نداشته باشند تحت ظلم قرار می گیرند ولی زمانی که از حقوق خود مطلع باشند و روش حق خواهی را بلد باشند هیچگاه هیچکس نمی تواند به آن ها زور بگوید و ظلمی نسبت به آن ها انجام بدهد چون آن مردم و آن ملت، نسبت به خودش آگاهی دارد و کسی که نسبت به خود آگاهی دارد می تواند به خوبی از خود دفاع کند.

حضرت آقا در دیدار دانشجویی امسال یکی از مسائل مهمی که اشاره کردند سنجیده بودن و انجام کار تخصصی بر روی مسائل بود. رهبری در این جلسه خطاب به دانشجویان این چنین می فرماید: «بچه هایی که دوستان انجام دادند، چند خصوصیت داشت که من فی الجمله اشاره کنم: اولاً بحثها پخته و سنجیده و خوب بود. انصافا سطح بحثهای امسال از آنچه قبلا در این جلسات مطرح میشد، به نظر من بالاتر بود؛ فکر شده بود، کار شده بود و این خیلی بارز است؛ از این جهت من متشکرم.»

همچنین در دیدار دانشجویی سال ۹۰ نیز رهبری به این مهم پرداخته و می فرماید: «یکی از دوستان اطلاع دادند که یک استاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. اینجور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیقها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می آید و به درد شما میخورد. این، کار بسیار جالبی است. همچنین یکی دیگر از دوستان اطلاع دادند که در دانشگاه شریف مرکز مطالعاتی ای تشکیل شده و در این زمینه کار میکنند. این ها بسیار کارهای مهمی است. این انگیزه ی جوان دانشجو و فکور، خیلی برای آینده ی کشور مهم است.»

قطعاً کارهای عمیق مطالعاتی، آشنایی درست با ساختارها بروکراتیک کشور، شناخت نقاط ضعف و قوت، آموزش و اطلاع آن به کف جامعه، موثرترین راهکار حل مشکلات و مسائل کشور است.

انجام مطالعات عمیق و مطالبه حقوق عامه مردم یکی از اتفاقاتی است که باعث آشنایی کف جامعه با حقوق خود می گردد و در نهایت مردم را ظلم پذیر بار نیاورده و از این بُعد خدمت بزرگی به اصلاح هر روزه و قدرتمندتر گردیدن جمهوری اسلامی می نماید.

## در نعت عدالت خواهی و ذم عدالت خواری

زاویه دید این جریان، صرف نظر از جذابیت

چند مشکل اساسی دارد؛ این نگاه خالی از هر گونه تجربه و درک جایگاه و سمت اجرایی و بحران ها و مشکلاتی هست که هر شخصی، در آن مقام با آن روبرو می شود. افرادی که بعضاً در اداره چار دیواری خود ضعف دارند، عملکرد بسیاری را بی رحمانه تند و برنده مورد نقد قرار می دهند.

بررسی مسائل و نقد و قضاوت آنها از یک دریچه آن هم شعار عدالت خواهی، تقلیل صورت مسئله به مشکلات آن است.

این شیوه ی نقد، چیزی جز بی عدالتی و جزم اندیشی به دنبال ندارد. نقدی که یا به دل سردی، سپس انفعال مردم ختم می شود یا به خشم بیش از حد آنها با این تفاوت که جریان اینگونه عدالت خواهان مدعی ایجاد جامعه ای بهتر با سوت زنیست و نه تنها خود را مقابل نظام جمهوری اسلامی نمیدانند بلکه قرائت و خوانش درست از انقلاب را همین میدانند.

بسیاری از افشاگری های آنها مصداق جرم است، اما تا به حال پرسیده اید که چرا با کسانی که یک صدم این حجم از افشاگری را دارند برخورد می شود، اما اینها راست راست می چرخند؟ اصلاً یک پله بالاتر برویم؛ پرسیده اید این رانت اطلاعاتی از کجاست؟ یا اینکه تراکت های انتخاباتی شان که مصداق نقض قانون بود و پایشان را به کلانتری هم باز کرد چه شد؟ چرا ساعتی بعد آزاد شدند؟ مجال توضیحات بیشتر نیست؛ اما ادای حریت و آزادگی ویتزین قشنگی است.

مصطفی صادق محمدی

کارشناسی حقوق

شاید لوح جذابیت دوباره جریان عدالت خواهی برای جنبش فعلی دانشجویی، ده ونک بود. سر و کله روحانی پرسر و صدایی پیدا شده بود که قبل از آن به عنوان فعال مجازی، یکبار سر مسئله انتقال آب کارون، یک بار هم افشاگری در مورد پسر سفیر و آنشید حسینی اسم در کرده بود. اما این بار به جای گیس و گیس کشی و چشم هم چشمی سر اینکه کیف آنشید حسینی اصل یا های کیبی است، حاج آقا به گونه ی بتمن، روی سقف یکی از خانه های ده ونک فرود آمد. داستان اکشن نجات ده ونک، با چاشنی تعقیب و گریز و دستگیری و تغییر چهره، همان مدیوم فیلم های هالیوودی بود که بخشی از مردم و فعالین دانشجویی بدون پلک زدن، مسحور جذابیت بی حد و حصرش بودند. ایزود های بعدی هم با داستان ویلای دلماد شمخانی، شبنم نعمت زاده، مدارس رانتی ادامه یافت و در هیجان انگیزترین قسمت ماجرا، با مفقود شدن - بخوانید اختفای اختیاری - نقش اول، که حالا نقش های مکمل زیادی پیدا کرده بود پازل تکمیل شد. پرونده هایشان بیشتر شده بود و فقط مدیران ارشد سوژه نبودند، مدیران میانی، تصمیمات مسئولین دولتی و غیر دولتی و حتی تا رهبری هم محل اشکال بود. حالا وقتش شده بود کنار هم ائتلافی را برای انتخابات مجلس شورای اسلامی تشکیل دهند. از ابتدا نیز غر زدن شروع شد. مجلس بازنده ها، دست پیشی بود که مقابل جریان دیگر اصولگرایی (که اصلا مراد حمایت از آنها نیست) پس نیفتند و زیر میز این بازی از پیش معلوم - با اینکه می دانستند باختند - بزنند. مثل همیشه.





# ویژه نامه دیدار رهبری

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
سال دوم / شماره نهم / خردادماه ۹۹

## ضرورت تغییر نظام انتخاباتی موجود در کشور

علی دهقان

دبیر اتحادیه دفتر تحکیم وحدت

واقعیت اینست که لیست‌های انتخاباتی دو جریان موجود در کشور، بخش مهمی از تفکرات حاضر در جامعه را نمایندگی نمی‌کنند، به همین جهت باور داریم از ضروری‌ترین اولویت‌های مجلس یازدهم، تصویب نظام انتخاباتی تناسبی، منطبق با سیاست‌های ابلاغی حضرت‌عالی برای انتخابات است، البته اینجا نیز اگر اراده‌ای از سوی حاکمیت نباشد همچون مجلس ششم تا دهم تصویبی در کار نخواهد بود.



## نقش بازوی کمکی جنبش دانشجویی در حمایت از کارگران



اواخر ماه مهر بود که حسن روحانی برای شرکت در آیین بازگشایی دانشگاه‌ها به دانشگاه تهران رفت؛ اختصاص ندادن سهمیه مناسب به دانشجویان جهت شرکت در مراسم و نیز اجازه ندادن به نمایندگان دانشجویی جهت مطرح کردن نقدهایشان اعتراض دانشجویان تهرانی را برانگیخت. عده‌ای با در دستداشتن پلاکاردهایی با عناوین «ورود افراد زیر ۴۰ سال به داخل سالن ممنوع»، «جشن آغاز سال تحصیلی کارمندان وزارت علوم» و «بریدن صدا از نوع تدبیر و امیدها» اعتراض خود را به عدم حضور خود در جشنی که برای آنها ترتیب داده شده، اعلام کردند؛ برخی دانشجویان هم که اجازه حضور داشتند سالن را به نشانه اعتراض ترک کردند.

کلیه‌های دانشگاه تهران که منتشر شد، متوجه عده‌های می‌شوم که یک گوشه دانشگاه حلقه زده‌اند؛ آنهایی که دوست دارند به اسم چپ شناخته شوند و مثل پرچم مطالبات کارگری و مردمی را بلند کنند. قیافه‌هایشان برایم آشناست، قبلاً هم دیدمشان، مثل همیشه شعارهایشان را از مسائل صنفی و پولیشدن دانشگاه‌ها آغاز می‌کنند و در نهایت به موضوعات کارگری می‌رسند: «ایستاده‌ایم در سنگر، دانشجو و کارگر!» یاد تجمعات قبلی می‌افتم که علاوه بر این شعار «نان، کار، آزادی» هم می‌گفتند اما برای من که این روزها کف اخبار دانشجویی و کارگری خوابیده‌ام، پیگیری مطالبات کارگری و شنیدن حرف‌هایشان نمادهای دیگری دارد، سالهای ۹۸ و ۹۷ برای خیلی‌ها سالهای متفاوتی بود؛ برای من، کارگران و البته بخشی از جنبش دانشجویی!

### ماشین‌سازی تبریز

ماشین‌سازی تبریز یک شرکت موفق ۴۷ ساله بود. شرکتی که از ابزارآلات صنایع پزشکی تا صنایع دفاعی و پتروشیمی را تولید می‌کرد. این مجموعه از سال ۸۳ وارد روند خصوصیسازی شد و تا ۱۱ سال بعد یعنی سال ۹۴، ۱۱ بار به مزایده گذاشته شد و هر بار شکست خورد اما خصوصیسازان ناامید نشدند و در نهایت آن را در سال ۹۷ با قیمت سال ۹۴ به فردی با نام قربانعلی فرخزاد واگذارش کردند؛ شخصی که بعدها به‌عنوان یکی از ابردهکاران بانکی که نقش پررنگی هم در اخلاص در بازار ارز داشت، محاکمه شد. ۱۱ سال مزایده ناکام و بازی با کارخانه ماشین‌سازی البته بدون عوارض نبود، روند جذب نیرو، تولید و پرداخت حقوق کارکنان با مشکل جدی مواجه بود و بالاخره در اسفندماه ۹۶ این زخم سر باز کرد و اعتراض‌های کارگری در این مجموعه صنعتی هم کلید خورد. از همینجا بود که دانشجویان آذربایجان شرقی به ماجرا ورود کردند و اعتراضات کارگری با مطالبات دانشجویی همراه شد؛ اعتراضاتی که تا مدتها ادامه پیدا کرد و بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی سهند تبریز به‌همراه دیگر دانشجویان انقلابی همیشه و همهجا پشت کارگران ماندند.

دانشجویان بسیجی تبریزی هم‌زمان با یکی از اعتصابات کارگری کارخانه نسبت به اتفاقات ماشین‌سازی وارد قضیه شدند. تحقیق و تفحص پیرامون اهمیت و موقعیت و آمار کارخانه آغاز شد. دانشجویان با اکثر مدیران و کارگران قدیمی و جدید کارخانه ارتباط گرفتند و توانستند وضعیت شفاف‌تری از حوزه‌های مالی و کاری کارخانه ترسیم کنند، حالا برای دانشجویان بسیجی مسجل شده بود که عده‌های نمی‌خواهند چرخ ماشین‌سازی تبریز دوباره بچرخد. حالا وقت آن بود که سراغ مسئولان استانشان بروند، از نامه‌نگاری خطاب به امام‌جمعه تبریز تا ریاست دادگستری استان، از پزشک‌های نماینده تبریز و نایب‌رئیس مجلس تا پورحسینی رئیس وقت سازمان خصوصیسازی، بخت با بچه‌ها یار نبود و تقریباً هیچ‌کس پاسخشان را نداد اما مساله برای دانشجویان انقلابی تبریز تمام نشد.

پیگیری مستمر دانشجویان در بستر رسانه‌ها و اقدام به جهت تبیین و روشن‌گری آنچه بر سر این سرمایه ملی می‌رود باعث شد آرام‌آرام بحث ماشین‌سازی بر سر زبانه بیفتد. در دیماه ۹۷ با تشکیل‌های دانشجویی

همان ماه بود که کارگران به خیابان آمدند و حدود یک ماه به اعتراض‌هایشان ادامه دادند، اما قسمت تلخ ماجرا در هفته‌ها آنجا بود که صدای کارگران به هیچ کجا نمی‌رسید، هیچ‌کدام از مسئولان استانی و کشوری، پاسخی صریح و شفاف برای مطالبات کارگران نداشتند. حتی رسانه‌های داخلی هم آنگونه که باید این اعتراض‌ها را پوشش نمی‌دادند، سایه امنیتی بودن فضا و شرایط خوزستان همه را محتاط کرده بود. ۲۷ آبان همان سال بود که نماینده کارگران کارخانه نیشکر هفتتپه، بازداشت شد و علاوه بر آن چند نفر از کارگران معترض این کارخانه توسط نیروی انتظامی استان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. فردای آن روز کارگران کارخانه نیشکر هفتتپه در مقابل فرمانداری اهواز تجمع کردند و حتی در مقابل دادگاه شوش دست به اعتراض زدند؛ اما قفل سکوت سنگین مسئولان استان نشکست.

آذرماه ۹۷ دانشجویان تهرانی تصمیم گرفتند به شوش بروند، برگزاری یک میزگرد دانشجویی نه در سالن‌های در بسته دانشگاه که زیر آفتاب سوزان شوش و در جمع کارگران هفتتپه کاری بود که بچه‌های بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران کردند. همان روزها که دانشگاه امیرکبیر تهران توسط جریان چپ‌نمای دانشگاه شلوغ شده بود و برخی دانشجویان روی راهپله‌های دانشگاه امیرکبیر یاد حقوق کارگران افتاده بودند، نمایندگان بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران؛ یعنی مسئولان سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه‌های صنعتی شریف، شهیدبهرستی، امام‌صادق(ع) و دانشگاه علوم قضایی عازم هفتتپه شدند. بچه‌های تشکلهای انقلابی خوزستان هم بی‌کار ننشستند و پیگیر مطالبات کارگران شدند. نماینده شوش، دادستان اهواز، امام‌جمعه، فرماندار و... بخشی از مسئولانی بودند که دانشجویان به سراغشان رفتند. مدتی بعد با ورود برخی ارگان‌ها، اعتراضات کارگری هفتتپه خاتمه یافت و کارگران به کارشان برگشتند و حتی معوقات هم به مرور پرداخت شد و علی‌الظاهر فضای هفتتپه آرام گرفت؛ اما شهریور ۹۸ بار دیگر آتش اعتراضات کارگری شعلهور شد، اخراج تعدادی از کارگران به بهانه پایان قرارداد کاری علت اصلی اعتراض کارگران بود.

با شدت گرفتن اعتراضات کارگری هفتتپه، تشکلهای دانشجویی استان خوزستان (بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه علوم پزشکی اهواز) به‌منظور حمایت از این کارگران مظلوم به جمع معترضان آمدند و پای درددلهای کارگران نشستند. در دیدار دانشجویان با کارگران معترض هفتتپه، مصطفی حیدری، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز بود که در میان جمع کارگران فریاد می‌زد: «گر لازم باشد، ۱۰ بار دیگر در جعستان حاضر می‌شویم تا به نتیجه برسیم. صدای کارگران را به گوش مسئولان خواهیم رساند و پیگیر حل این جریان خواهیم بود.»

اعتراضات مسالمت‌آمیز کارگران هفتتپه ادامه پیدا کرد تا آنجا که منجر به بازداشت کارگران کارخانه به دلیل مسائل امنیتی شد؛ با دستگیری این کارگران و بعد از دیدار دانشجویان و طلاب بسیجی دانشگاه‌های اهواز با کارگران هفتتپه، نوبت به دانشجویان انقلابی دانشگاه‌های تهران، شهیدبهرستی و شریف رسید و این دانشجویان مطالبه‌گر با همراهی دانشجویان بسیجی دانشگاه‌های خوزستان اعلام کردند به مدت سه روز در اهواز و منطقه هفتتپه حضور پیدا می‌کنند.

رایزنی و مذاکره راه‌حل اول بچه‌های دانشجویی بود؛ از دیدار با نمایندگان کارگران تا امام‌جمعه اهواز و دیگران. نامه‌نگاری با مسئولان عالی‌رتبه کشور و تبلیغات در بستر رسانه نیز گام دوم دانشجویان بسیجی بود. بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران، شهیدبهرستی و شریف طی نامه‌ای به رئیس، رئیس قوه قضائیه بر ضرورت حضور وی در میان کارگران نیشکر هفتتپه برای حل مشکلات تاکید کردند. همچنین این دانشجویان در نامه دیگری خطاب به علی عسگری، رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی، خواستار پوشش صریح و بی‌پرده اتفاقات و مطالبات هفتتپه در صداوسیما شدند. حالا صدای کارگران هفتتپه شنیده می‌شد و از بایکوت

سرمایه شرکت صرف سرمایه‌گذاری در امور دیگر می‌شود. ایشان همان سال بازداشت می‌شود و با تسلیم شرکت هیکو بدهی خود را تسویه می‌کنند و از بازی خارج می‌شود. اما در فاز دوم واگذاری، شرکت هیکو به مبلغ ۱۰ میلیون تومان به شخصی دیگر واگذار می‌شود که بعدها اقساطش را پرداخت کند که البته چیزی پرداخت نمی‌شود.

در تمام این سالها هیکو از گردونه رقابت خارج شده و بسیاری از نخبگان و متخصصان آن به خدمت شرکت‌های واردکننده درآمدند، حالا پنجمه بود که هیچ تولیدی نداشت و زمین‌هایش در آستانه فروش بود و البته جز همان کارگرانی که روی ریل خوابیده بودند حامی دیگری هم نداشت.

جمعه نشده بود که دانشجویان راه افتادند به سمت اراک و خودشان را به کارگران غول ماشین‌سازی هیکو رساندند؛ از عیادت مجروحان ماجرا شروع کردند و تا تجمع در نماز جمعه جلو رفتند اما کار به همینجا تمام نشد. دانشجویان دست کارگران را گرفتند و با خودشان به پایتخت آوردند؛ از جلسه با مجلسی‌ها گرفته تا با رسانه‌ها و مرتبطان با قوهقضائیه، حالا مساله هیکو فقط مربوط به حقوق چند ماه عقب‌افتاده کارگران نبود بلکه به یک کلان‌مساله مرتبط با پدیده‌های مهم به نام خصوصیسازی تبدیل شده بود. حالا دانشگاه‌های تهران محل رفاؤآمد کارگران هیکو بود و آمفیتئاتر برخی دانشگاه‌های کشور محل اکران مستند ناگزیده‌ها که مربوط به چالش‌های این شرکت بود. دانشجویان میزبان بسیاری از مدیران و متخصصان این حوزه شدند؛ یک مطالبه‌گری تمیز که هم به عوارض یک معضل مصداقی می‌پرداخت و هم حواسش به ریشه‌های این بحران بود و عبارتی مصداق‌زده نمیشد، برخلاف برخی اعتراضات کارگری حالا صدای کارگران هیکو از زبان بچه‌های انقلاب شنیده می‌شد؛ جایی که هیچ معاندی توان مدارهاش را نداشت، ماجرا به اینجا ختم نشد.

نزدیک ایام ۱۶ آذر بود که بسیج دانشجویی دانشگاه تهران میزبان رئیس دستگاه قضا شد، شکل کلاسیک اینجور برنامه‌ها مشخص است. صحبت تنی چند از نمایندگان تشکلهای دانشجویی دانشگاه و در نهایت هم سخنرانی میهمان مربوطه اما اینبار بچه‌ها قصد داشتند در میان خودشان یک میهمان هم داشته باشند تا تریبون خود را به او امانت بدهند. میرناصر نماینده کارگران هیکو بود که در میانه روز دانشجو مقابل آیت‌الله رئیسی ایستاد و صدای همکارانش را به عالی‌ترین مقام قضایی کشور رساند. ماجرا اما تمام نشد، ۱۶ آذر سال گذشته جمعه بود، برای همین تعدادی از دانشجویان از بسیج دانشجویی و جنبش عدالتخواه به اراک سفر کردند تا به‌صورت نمادین، روز دانشجو را در کنار کارگران هیکو و آذرباب سپری کنند. هرچند نهادهای امنیتی استان مرکزی از حضور دانشجویان در محوطه کارخانه آذرباب جلوگیری کردند، اما عکس این دیدار و این مراسم به یادگار ماند. دانشجویانی که در کنار کارگران حضور واقعی داشتند.

ماجرای جنبش دانشجویی انقلابی با کارگران هیکو تا همین امروز همچنان ادامه دارد. برخی نقاط توفیقاتی حاصل شد و برخی نقاط هم کند و طاقفترسا جلو رفت اما برای من هیکو تبدیل به نماد مبارزه اصولی دانشجویان با یک پدیده بزرگ و البته خروج دانشجویان از فضای گلخانه‌ای و صرفاً نظری دفاتر تشکلشان شد.

### نیشکر هفت تپه

شرکت کشت‌و‌صنعت نیشکر هفتتپه از مجموعه‌های قدیمی و ریشه‌دار در کشور بود که به‌عنوان قدیمی‌ترین تولیدکننده شکر ایران نام برده می‌شد و دارای اعتبار جهانی بود. این شرکت هم قربانی خصوصیسازی نادرست بود، یک واگذاری اشتباه که با اعتراض‌های کارگری، کاهش تولید و بدهی‌های روزافزون خودش را نشان داد.

آبان ۹۷ بود که اعتراضات کارگری در این کارخانه به اوج خودش رسید. کارگران به عدم پرداخت معوقاتشان و نحوه مدیریت این کارخانه اعتراض داشتند. اعتراض‌ها در خوزستان فرق می‌کرد، خشن‌تر بود و البته مورد سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه و عده‌های دیگر قرار گرفت.





### علی طلوعی

#### نماینده بسیج دانشجویی در دیدار با رهبر معظم انقلاب

ما با مشکل مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در میان مسئولین مواجهیم. این که از آمدن به دانشگاه و پاسخگویی به دانشجویان فراری‌اند، و صراحتاً این را اعلام می‌کنند به کنار. عدم مسئولیت‌پذیری موجب آن شده است که در نظام حکمرانی کشور، سیستم کارشناسی و قانونی کار خودش را انجام نمی‌دهد یا نمی‌گذارند که انجام بدهد. در فرآیندی مشخص، مسئولین، بحران و بن‌بست می‌آفرینند و در چنین شرایطی تازه یاد ولایت‌فقیه می‌افتند و با استفسار و گرفتن حکم، یا روکردن کد پشت پرده، رهبری را سپر می‌کنند تا بدنه کارشناسی، جوانان انقلابی و مردم را دور بزنند. این رویه غیر از این که انحلال نظام تدبیر را به‌دنبال دارد، که نیک می‌دانیم شما با آن مخالفید، موجب می‌شود که همه هزینه‌های آن تصمیمات غلط به پای رهبری و نظام نوشته‌شود و منتقدین و کارشناسان با برچسب ضد ولایت‌فقیه ساکت شوند.

دوهفته‌نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
سال دوم/شماره نهم/خردادماه ۹۹

# ویژه‌نامه دیدار رهبری

## تشکل‌های دانشجویی، دیده بان‌های محلی و منطقه‌ای

کرد.

یک گام روبه‌جلو در این حوادث این است که گروه‌های مردمی و به‌خصوص تشکل‌های دانشجویی در سالیهای اخیر برای خود نقش تعیین و تعریف کرده‌اند؛ یعنی فراتر از صدور بیانیه و مصاحبه پای در میدان عمل گذاشته و نتایج خوبی هم گرفته‌اند. شاهد مثال این ماجرا در اعتراض‌های کارگران نیشکر هفتتپه، هپکوی اراک، ماشینسازی تبریز و... بود که دانشجویان با تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با معترضان وارد شدند و سپس برای حل مشکل با مسئولان رایزنی کردند.

در این ماجرا هم تشکل‌های دانشجویی بیکار ننشسته و در تعطیلات عید فطر راهی غیزانیه شدند و این امید وجود دارد که ثمرات خوبی هم در عرصه رسانه و هم در انجام اقدامات جهادی حاصل شود. اما حرف اصلی این یادداشت یک نق‌ش‌آفرینی جدید برای تشکل‌های دانشجویی است.

آرمانخواهی دانشجویی، عدم سهم و بهره و چشمداشت از احزاب و اصحاب قدرت امتیاز تشکل‌های دانشجویی است. در کنار اینها اما برای تشکل‌های دانشجویی امکان دسترسی به مسئولان تا عالیترین سطح برقرار شده است و آنها میتوانند طی مراتبی حرف خود را به گوش مسئولان (چه در سطح استان و چه در سطح کشور) برسانند. درواقع نقش جدیدی که تشکل‌های دانشجویی میتوانند برای خود متصور شوند این است که حلقه واسط مردم و مسئولان پیش از بروز اعتراض‌های اینچنینی باشند و کاری را که حالا و پس از خسارت‌های مادی و معنوی ایجاد شده انجام میدهند؛ قبل از آنی که کار بیخ پیدا کند انجام دهند. در این نقش جدید تشکل‌های دانشجویی در استانها اهمیت پیدا میکنند و اعضای شورای مرکزی اتحادیه‌ها در سطح کشوری باید به نقش آنها پایبندی داشته باشند. تشکل‌های دانشگاهها باید در نقش دیده‌بان محلی و منطقه‌ای ظاهر شوند، مشکلات را شناسایی و راه‌حلها را ارزیابی کنند و مسئولان عالی تشکلها نیز بهجهت دسترسی فوری به رسانهها و مسئولان، نقش کاتالیزور را ایفا کنند.

ادارات و بخشداریه‌ها، برخورد چکشی صورت گرفته و کار به استخوان رسیده! جالب اینکه مردم شیوه‌های مختلف اعتراضی را هم طی کرده‌اند. یک شیوه اعتراضی‌شان هم که خیلی جالب و دموکراتیک بود و مشابه آن در اعتراض‌های دانشجویی در دانشگاهها دیده شده بود، وقتی که در پروسه انتخابات با ظرف‌های خالی از آب در صف رای حاضر شدند، فکر میکردند پیام روشنی هم به مسئولان، هم به نمایندگان و هم به رسانهها میدهند که اینها مشکلات ماست و فکری به حال آن کنید! اما نشد که نشد تا آنکه حوادث روز سوم خرداد رخ داد. شاید آنهایی هم که جاده‌های را بستند و سنگی هم پرت کردند با برنامه‌ریزی و سناریوچینی سراغ این شیوه اعتراض نرفتند اما گمانشان این بود که اینطور صدایشان رساتر میشود. حالا هزینه پشت هزینه ایجاد شده؛ گره‌ای که شاید با چند دست جهادی باز میشد حالا با دندان هم باز نمیشود! پای اما و اگرهای سیاسی و امنیتی هم به این موضوع باز شده است و کار برای مردم و دست‌اندرکاران سختتر.

واقعیت این است که بهرغم تجربه چند حادثه مشابه غیزانیه فکری برای شیوه اعتراض و بیان مطالبه نشده است و هربار روی ریل تکرار میافتیم. معضلی وجود دارد، فکری برای حل آن نمیشود، مردم چاره‌های جز اعتراض سخت نمی‌بینند، کار به زدوخورد میکشد، رسانه‌های رسمی و ملی سکوت میکنند، در عوض رسانه‌های ضدانقلاب حداکثر سوءاستفاده را میکنند و تازه از اینجا به بعد برای حل مشکل چاره‌اندیشی میشود! برای کسی که کارد به استخوانش رسیده نمیتوان پروتکل اعتراضی نوشت و گفت مطابق این عمل کن! به‌خصوص در مواردی که اعتراض بنمایه سیاسی نداشته و رنگوبوی معیشتی دارد بیشتر این موضوع اهمیت پیدا میکند. اعتراضها در طبقه متوسط و روبه‌بالا عموماً جنبه فرهنگی-اجتماعی دارد و بخش معترض در اعتراض‌های خود هزینه-فایده میکنند، اما وقتی نیازهای اساسی در میان باشد و معترض چیزی برای از دست دادن ندارد، شکل مواجهه با آن هم تغییر میکند و اینجاست که میتوان نقش مهمی برای تشکل‌های دانشجویی تعریف

محمد رضایتی

دبیر اسبق اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل

از چند سال پیش که در یکی از رسانه‌ها گزارشی درباره مشکلات آب مردم غیزانیه منتشر شده بود تا همین چند روز پیش، دیگر اثری از اسم این بخش و روستاهایش و مردمش نبود و انگار نه‌انگار که نقطه‌های در این کشور هست که برای حل یک حق اولیه زندگی با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم میکنند! اساساً هم در تهیه این گزارشها تا با چاشنی اعتراضی همراه نباشد، امیدی به حل آن نیست. بارها برای تهیه گزارش مشکلات مختلف (مکتوب و ویدئویی) پیش از آنکه طاقت صبرشان طاق شود، سراغ مردم رفته‌ام؛ مردمی که نه به بخشهای قدرت متصلند و نه به اصحاب رسانه! سوال مشترک همه آنها در انتهای حرفهایشان این بود که «حالا این حرفهای ما اثری هم دارد؟! مشکل ما را حل میکنند؟! اصلاً این حرفها به گوش بالابالاییها میرسد؟!»

در همه مشکلاتی که در سالیهای اخیر جنجالی شد، از موضوع اعتراض کارگران هفتتپه و هپکو گرفته تا مشکلات مردم ماهشهر و زاهدان و حالا هم غیزانیه، این موضوع خودنمایی میکند که انگار بابشده برای اینکه حرفت شنیده شود یا باید یجوری و البته آنها هم با هزارطور دم این و آن را دیدن، خودت را به مسئولان برسانی یا یک بمب اعتراضی منفجر کنی تا صدایت شنیده شود!

یکبار ماجرای غیزانیه را مرور کنیم:

چند سال است که آبرسانی این بخش دچار مشکلات عدیده‌ای است، خطوط آبرسانی قدیمی و فرسوده است؛ سازه‌های کوچک لوله‌ها باعث شده امکان تکمیل ظرفیت حوضچه‌ها و مخازن ذخیره آب وجود نداشته باشد و همواره افت فشار یا اساساً بی‌آبی مردم را آزار میدهد. مسئولان هم که با پاسخهای همیشگی و کلیشهای «بهبودی این مشکل حل میشود»، پروسه بیاعتمادی را تکمیل میکنند! حالا سالیها از این وعده‌ووعیدها گذشته؛ مشکل روی مشکل انبار شده؛ صداها شنیده نشده و طبق معمول با مراجعان به

ادامه از صفحه چهارم

و سانسور روزهای نخست خبری نبود، نمایندگان کارگران بالاخره به تهران آمدند و مقابل دوربین رسانه‌ها و مسئولان نشستند. درنهایت، نمایندگان و فعالان کارگری منتخب کارگران کارخانه نیشکر هفتتپه، ۲۲ مهرماه در جلسهای با حضور رئیس سازمان خصوصیسازی، نمایندگان مجلس در کمیسیون اجتماعی و رئیس فراکسیون کارگری و همچنین عضو هیاتمدیره کانون شوراهای اسلامی کار ایران و معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حاضر شدند و به بیان خواسته‌هایشان پرداختند. در این جلسه به سازمان خصوصیسازی اولتیماتوم ۱۰ روزه‌ای داده شد تا شفافسازیهایی لازم را در این زمینه انجام دهد.

تشکل‌های دانشجویی استان خوزستان همچنان پیگیر رسیدگی به مطالبات کارگران هفتتپه هستند و از مسئولان میخواهند به مشکلات رسیدگی کنند. حتی در موارد بعدی که به صدور حکم قضایی برای برخی کارگران منجر شد با پیگیریهای رسانه‌ای و توجهات قوه قضائیه در برخی احکام تجدیدنظر و در برخی موارد تیره صورت گرفت. ماجرای هفتتپه همچنان ادامه دارد و مشکلات کارگران منطقه تمام نشده است اما نقطه برجسته حضور دانشجویان در کنار کارگران هفتتپه همین بود که باعث شد سکوت تلخ مسئولان محلی شکسته شده و صدای مظلوم کارگران شوشی در سطح ملی شنیده شود.

### ۲ سال تلاش جنبش دانشجویی در جهت تحقق مطالبات کارگری

دو سال گذشته پر بود از نمونه‌های متعدد همراهی و پیگیری دانشجویان نسبت به مطالبات کارگری. کشتو صنعت مغان، قند یاسوج، کتورسازی قزوین، صنایع چوب مازندران، شرکت غله همدان، ماهیگیران هرمزگانی، کارگران سد چمشیر گچساران، کارگران شهرداری بروجرد، مشکلات کارخانه کاوه سودا و دهها مساله دیگر که در آن شاهد حضور پررنگ تشکل‌های دانشجویی هستیم، به‌طور حتم اگر از منظر کارکردهای بیرونی جنبش دانشجویی و خروج از فضای فانتزی و گلخانه‌ای دانشگاهی به این پدیده نگاه کنیم، متوجه آثار درخشانی در رشد عملی این نسل از دانشجویان خواهیم شد که انکارشدنی نیست، به‌علاوه اینکه حضور در چنین چالشهایی در یک نگاه کلانتر بخشی از فرآیند حل مسائل نظام به‌صورت ریشه‌ای توسط قشری از نخبگان یعنی همان بدنه دانشگاهی است. هرچند بهتر است به این نکته مغفول توجه شود که حضور دانشجویان در پیگیری مستمر مسائل کارگران نباید باعث تضعیف تشکل‌های کارگری شود، به‌عبارتی رشد و تقویت سازوکارهایی که بتواند به‌صورت مستقل برای تشکل‌های کارگری ابزار مطالبه‌گری خلق کند ضروری است، به‌زعم نگارنده، اکتفا به حضور میدانی دانشجویان در مواقع بحرانی در کنار کارگران بدون مطالبه درست و صحیح از خلق ابزارهای تقویت‌کننده این قشر درنهایت اثر درازمدتی نخواهد داشت و این مهم باید در نظر گرفته شود که تشکل دانشجویی نباید تبدیل به شاخه کارگری برخی گروهها شود که اساساً کارکرد دانشگاهی و درونی خود را از دست داده است. نکته بعدی تقویت بنیادهای نظری و ایده‌پردازی در حوزه‌های تولید و اشتغال است که بتواند به‌صورت ریشه‌ای و ساختارمند چنین معضلاتی را برطرف کند و البته به دام تفکرات مارکسیستی و سوسیالیستی هم نیفتد و بتواند مجموعه‌ای از راهکارهای ایجابی و اساسی را در حوزه سیاستگذاری عرضه کند.

درنهایت حالا در آستانه روز کارگر ۹۹ ما با بخشی از بدنه دانشجویی ارزشی کشور روبه‌رو هستیم که نسبت به این روز دارای فهم و حس مشترک است و پیگیری مشکلات یکی از افشار مظلوم جامعه برایش تبدیل به مساله شده است، بدنه‌ای که از اسم کارگران استفاده اپوزیسیونی نمیکند و مطالباتشان را مصداقه به مطلوب سیاسی نخواهد کرد.







**میلاد مفاخری**  
 نماینده نشریات دانشجویان در دیوار با رهبر معظم انقلاب  
 وزارت ارتباطات متولی توسعه و پیشرفت زیر ساخت فضای مجازی کشور است. اما نه تنها از باورمندی به فضای جنگی رنج می‌برد بلکه در حالتی خوشبینانه با کم کاری‌هایی زمین جنگ را در اختیار دشمن نهاده است، انتظار این بود وزیر مربوطه با توجه به شرایط جنگی موجود بستر لازم برای رشد سریع زیر ساخت‌های اینترنت و شبکه ملی اطلاعات فراهم آورد. اما شاهدیم که اقدامات وزیر جوان به نمایش‌های رسانه‌ای یا شاید انتخاباتی و پوپولیستی در حوزه سرعت اینترنت و یا اهدا چند تبلت به مناطق محرومی که اتفاقاً از همان افزایش سرعت نت آقای وزیر بی بهره اند محدود شده است.

دوهفته‌نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
 سال دوم / شماره نهم / خردادماه ۹۹

# ویژه‌نامه دیدار رهبری

## رخ مطالبه‌گری



فاطمه اجل لوثیان  
 کارشناسی ارشد اقتصاد

امسال هم دیدار رهبر معظم انقلاب با دانشجویان در ماه مبارک رمضان برگزار شد. این دیدار که محفلی گرم از گفت و شنود پدر و فرزند است حاوی اصلی‌ترین نکات، دغدغه‌ها و نصایح رهبر عزیزمان است. بخش مهمی از سخنان امسال حضرت آقا پیرامون موضوع مطالبه‌گری و آرمان خواهی بود و چه بسا از این سخنان بتوان برداشت کرد که از دید ایشان سخت‌ترین و پیچیده‌ترین کارزار دانشجویان همین مطالبه آرمان‌ها به نفع انقلاب اسلامی است. چرا که از جهات مختلف اهمیت این موضوع برای جریان دانشجویی انقلابی حیاتیست: اول جهت، پرچم داری مطالبه‌گری است که نه تنها وظیفه دانشجو بیدار شمرده می‌شود بلکه فرصت مصادره به مطلوب شدن دغدغه‌های به حق مردم توسط جریان‌های معاند انقلاب اسلامی که کمترین سودی برای مردم نداشته و تنها از این اعتراضات سوء استفاده می‌کنند تا مقاصد ضد انقلابی خویش را پیش ببرند را خواهد گرفت. ثانیاً خطر بزرگی که متأسفانه گریبان برخی تشکل‌های دانشجویی با اهداف دلسوزانه را گرفته است، خطر عدم توجه به مخاطب اصلی در مطالبه‌گریست. گاهی یک نهاد، سازمان یا یک تیم و باند در این سازمان‌ها خلاف یا عدم کارایی را شکل می‌دهند که وظیفه دانشجوی متعهد پیگیری و مطالبه‌گری حق از مراجع مربوطه است اما گاهی این مطالبه به جای گرفتن حق به کوبیدن باطل منجر می‌شود و یک خلاف قانون موردی به سیستم و انقلاب اسلامی نسبت داده می‌شود. شاید لازم است تشکل‌های ذکر شده بار دیگر هدف خود از مطالبه‌گری را بازخوانی کنند و گمشده خویش را در گم کردن هدف بیابند. نکته سوم اما شاید دشوارترین خواسته ایشان از جریان دانشجویی بود: انتقاد بدون پرخاش و خشونت و درک شرایط مدیریتی کشور. شاید روحیه انقلابی و آرمان‌خواه دانشجو سخت بتواند دلایل اجرا نشدن برخی مطالبات را بپذیرد و نام توجیه بر آن نهد اما واقع‌گرایی و مکمل شدن عقلانیت انقلابی بر احساسات انقلابی کلیدی‌ایست که مطمئناً می‌تواند رابطه دانشجویان و مسئولین را پویا تر و منسجم تر سازد. همین امر بی شک تسهیل‌گر روند مطالبه‌آرمان‌ها خواهد شد.

## سه نکته مهمی که نباید در قاب فراموشی قرار بگیرد

دانشجویی را مطرح کنیم بخش فعالیت‌های جهادی تشکل هست. از این رو که اولاً درد جامعه را متوجه می‌شوند و در بحث عدالت خواهی دقیق تر می‌توانند کار کنند. دوماً روحیه و ایمان دینی خود را توسعه می‌دهند و سوماً از پشت میزها به کف جامعه می‌آیند و اگر در آینده همین جوانان در پست‌های مدیریتی خاصه مدیریت‌های میانی قرار گرفتند بی شک با آسیب‌های موجود در جامعه غریب نیستند چرا که آن درد را چشیده‌اند. به گمان بنده رهبر فرزانه انقلاب بسیار ظریف به این نکته مهم توجه داشتند «بحث فعالیت‌های جهادی واقعاً شگفت‌انگیز که حقیقتاً بنده با اینکه بارها تشکر عرض کرده‌ام، باز هم لازم میدانم تشکر کنم و خدا را شکر کنم که الحمدلله جوانهای ما را این جور آماده کرد.» ببینید این مطلب آنقدر حائز اهمیت است که رهبر انقلاب را نیز شگفت زده می‌کند، اگر دقت کرده باشید فرمودند «آماده کرد».

حقیقتاً برای بنده تک تک واژگان رهبری دارای معنای عمیقی هستند در اینجا نیز ایشان فعالیت‌های جهادی چون میدانی می‌دانند که محل آماده سازی جوانان است. البته همان‌گونه که یاد شد واژه به واژه رهبری دارای معناست اما به نظر حقیر این سه نکته نباید از جلوی دیدگان ما محو شوند.

اعتراض‌هایمان در نظر بگیریم که دشمن امروز در صدد این است که این احساس عزت را، احساس قدرت را، اطمینان به نفس ملی را مخدوش کند و از بین ببرد. البته دشمن تلاش میکند، خدای متعال هم عکس این را تقدیر کرده. همین حادثه‌ی کرونا موجب شد که مردم احساس عزت بیشتری پیدا کنند؛ خوب شما ملاحظه کنید، در غرب، در کشورهای غربی، در آمریکا چه خبر است. همین حادثه که اینجا هم آمد، آنجا هم رفت؛ آنجا ببینید وضع چه جور است، اینجا وضع چه جور بود؛ مدیریتی که شد، حضوری که مردم پیدا کردند، کارهای بزرگی که در این زمینه انجام گرفت. یا مثلاً پرتاب ماهواره، یا کارهای علمی‌ای که الان دارد انجام می‌گیرد برای شناخت همین ویروس. اینها همه حوادثی است که خدای متعال [مقدر کرده]؛ یا این نهضت عظیم کمک مؤمنانه و خدمتی که انجام گرفت، پس شرایط کشور، اینها است. آن جبهه‌بندی هست، آن دشمنی هست، آن ظرفیتها هست و این احساس عزت و قدرت هم در کشور وجود دارد.»

### آمادگی برای مدیریت در اردوهای جهادی

لزوم وجود فعالیت‌های جهادی در تشکل‌های دانشجویی  
 اگر بخواهیم انسان سازترین بخش یک تشکل

### فراموش نکردن استکبار جهانی و توجه به درون

پر واضح است که ایران عزیز ما، سال‌های متمادی اسیر چنگال استعمارگران بوده و اکنون به لطف انقلاب اسلامی، ایران عزیز ۴ دهه آزاد و آزاده است. اکنون جهان‌خواران ایران جوان را خطری برای همه گیری آزادی خواهی می‌دانند و در تلاشند چهره‌ی آن را سیاه و چرکین نشان دهند. تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها تکلیف دارند که پلشتی‌ها و زشتی‌های استعمارگران نشان داده و در جهت روشنگری ابعاد مختلف نظام اسلامی بکوشند و دست‌درازی آن بر ممالک دیگران را آشکار ساخته و از ملل مظلوم در دانشگاه‌ها حمایت کنند. در این مهم تقویت حس عزت در این کشورها و بخصوص کشور خودمان از وظایفی است که با تکیه بر توانایی‌هایمان می‌توانیم به آن جامه‌ی عمل بپوشانیم. استکبار جهانی هم‌چنان در تلاش است حس قدرت و عزت را از ما گرفته و باور ذهنی آن‌ها مخدوش سازد تا جایی که رهبر انقلاب نیز در دیدار اخیر این مهم را متذکر شدند که: «البته دشمن سیاست تلاش برای تحقیر ملت را ادامه می‌دهد؛ یعنی امروز هم همان سیاستها را دارند [ادامه می‌دهند]» یعنی دشمن مایوس نشده است از اینکه بتواند در روحیات مردم تأثیر بگذارد. این نکته را بایستی همه‌ی ما در تحلیل‌هایمان، در اظهارنظرهایمان، در

ایاز سپهری راد  
 کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه شهید چمران اهواز

### جوانی و فرصت طلایی

ما جوانیم و آینده از آن ماست. آیا تا کنون به این موضوع فکر کرده ایم که چگونه می‌توانیم در مسیر رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی ایفای نقش کنیم؟ ویا این که آمادگی مدیریت خود و محیط را تا کنون کسب کرده ایم؟ تقریباً هر ساله رهبر معظم انقلاب انقلاب بر چند عنصر مهم تأکید ویژه داشته‌اند. اکنون می‌خواهم بخشی کوچکی را مورد بررسی قرار دهم. دو عنصر مدیریت و جوانی. جوانی به خودی خود نمی‌تواند مسمر ثمر باشد اگر عاری از مدیریت فردی و شناخت باشد. مدیریت فردی شاید در ساده‌ترین تعریف اینگونه باشد که از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم و آمدنم بهر چه بود. از نظر بنده تشکل‌های دانشجویی به جایگاه اصیل خود، را که مدیریت افکار عمومی است را محقق نساخته‌اند. لذا شکی ما را فرا می‌گیرد آیا جوانان امروزی که کف جامعه را فهمیده و نتوانسته‌اند افکار عمومی را مدیریت کنند، مدیر خوبی خواهند بود؟





محمد حسین حبیبی  
نماینده گروه های جهادی در دیدار با رهبر معظم انقلاب  
مخاطرات طبیعی هستیم و از سوی دیگر شاهد ساختارها، نهادهای مختلف که در  
هجوم حوادث و اتفاقات امکان حل مسئله و مدیریت صحنه را نداشته؛ و در نهایت،  
این نهادها و ساختارها بدون در نظر گرفتن بستر و نقشی برای اراده های خودجوش  
مردمی که نقش مهمی در حل مسئله را به عهده دارند، چیزی جز سلسله مراتب  
اداری و فرمایشات بی روح سازمانی را از خود بروز نمی دهند.  
به نظر می رسد لازم است با توجه به گستردگی حرکت های جهادی، جایگاهی  
در نهادها و شوراهای تصمیم گیر در زمان های ورود این اراده های خودجوش به  
مسائل، شکل گیرد.

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر  
سال دوم / شماره نهم / خرداد ماه ۹۹

# ویژه نامه دیدار رهبری

۷

## نسل ما پرچمداران آرمانخواهی و مطالبه گری هستند

طهورا میرزایی  
کارشناسی اقتصاد

دیدار رضایی دانشجویان با رهبر انقلاب امسال باتوجه به شرایط کرونایی کشور به شیوه ای متفاوت و از طریق ویدیو کنفرانس برگزار شد و رهبری در چنین شرایطی نیز از تباط خود با جوانان را حفظ کرده و به دغدغه ها، انتقادات و مطالبات دانشجویان گوش فرا دادند.

هفت نماینده از قشر دانشجو در مقابل رهبر انقلاب به بیان انتقاداتی از دستگاه های مربوط به دفتر رهبری تا دیگر نهادها و دستگاه های موجود، پرداختند و همگی از طرح این مسائل نشان دادند که قشر دانشجو دغدغه ی حفظ و پاسداری از جمهوریت انقلاب اسلامی را دارد.

در چند انتقاد مطرح شده توسط نمایندگان، یکی مربوط به رویکرد صدا و سیما است. رسانه ای که به جای اینکه آگاهی رسانی به مردم را در اولویت خود قرار دهد و منعکس کننده ی صدای مردم در بیان کوتاهی ها و تبعیض های مسئولین باشد، به روابط عمومی حاکمیت تبدیل است و این آگاهی ندانان به مردم باعث شده است این مهم در بزنگاه ها توسط رسانه های خارجی و معاند تامین شود و مسئولین صدا و سیما در نهایت محافظه کاری و بدون دغدغه برای داشتن راهبردی منایب در رفتار با مردم، به راه خود ادامه داده و نگران خدشه دار شدن باور مردم که سرمایه اجتماعی نظام است، نمی باشد.

دیگر انتقاد مطرح شده به بسته بودن راه مطالبات مردمی تاکید داشت و قشر دانشجو نشان داد که در این زمینه به نبود ساز و کار اعتراض در جامعه معترض است. چرا که این مسئله مشارکت مردم را در جمهوری اسلامی به راهپیمایی ها و انتخابات محدود می کند و مردم نمی توانند مطالبات به حق خود و نراحتی خود از تصمیمات مسئولین را به گوش آن ها برسانند و این تنها باعث ناامیدی و دلسرد شدن مردم شده و بین خود و مسئولین شکافی عمیق متصور می شوند. شکافی ایجاد شده از ناحیه خود این مسئولین که تنها زبانه های این پیام است که مردم و معیشت شان برای ما اهمیتی ندارد و مردم تحت هر شرایطی با دیدن ناکارآمدی ها صرفا باید تحمل کنند. این در حالی است که تحمل شرایط سخت برای مردمی که برای این کشور خون داده اند کاری ندارد؛ اما تا جایی ادامه خواهد یافت که آن ها مسئولین را در کنار خود ببینند نه د مقابل خود.

همچنین به گفته ی دبیر دفتر تحکیم وحدت «اصل ۲۷ قانون اساسی شوخی نمادین حاکمیت با مردم است» چرا که تا مردم ندانند اعتراض سالم که مغل به مبانی اسلام نباشد دقیقا چه مصادیقی دارد و در برخورد با رفتار های غیرقانونی باید چه واکنشی از خود نشان دهند؛ برای شنیده شدن اعتراضات خود از راه غیرقانونی اقدام می کنند و این نتیجه ای جز هزینه تراشی برای کشور ندارد آن هنگام که رسانه های معاند از نبود ساختار اعتراض و ضعف صدا و سیما استفاده کرده و اقدام به موج سازی به روش خود می کنند.

اگر برای این مسئله چاره ای اندیشیده نشود ما همچنان شاهد این سیکل معیوب خواهیم بود و داستان هایی از قبیل آبان ۹۸ و غیره تکرار خواهد شد.

از دیگر مباحث مطرح شده توسط دانشجویان نیز می توان به انتقاد از عدم شفافیت در برخی نهادها و مسئولیت پذیر نبودن مسئولین اشاره کرد که باعث شده است از حضور در جمع دانشجویان و پاسخگویی به آن ها از نحوه ی عملکرد و دخل و خرج سازمان ها، سر یاز زنند.

### جریان دانشجویی صدای مستضعفان

از آنجا که تشکل های دانشجویی می توانند صدای مردم مستضعف باشند و مطالبات به حق آن ها را که به فضای غیر قانونی کشیده شده است به مسیر اصلی بازگردانند و درباره ی تصمیمات و اقدامات نادرست مسئولین اعتراض کنند و به درد مردم رسیدگی کنند؛ رهبر انقلاب در رابطه با این موضوع در دیدار دانشجویی خطاب به آن ها، جوانان را به برافراشته داشتن پرچم حقیقی آرمانخواهی و مطالبه گری فرا خواندند، چرا که اگر این مهم به دست دانشجویان نباشد ممکن است مطالبه گری به دست کسانی بیافتد که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست. رهبری تمام صحبت های دانشجویان در دیدار را نوعی مطالبه گری می دانند که بسیار با ارزش است حتی اگر در مواردی با توجه به محدودیت های اجرایی این مطالبات عملی نباشند اما آرمانخواهی را زنده نگه می دارد چرا که باعث می شود راه را گم نکنیم و از وسط راه منحرف نشویم. توصیه رهبر به دانشجویان و جوانان این است که در راه مطالبه که طبعاً با نوعی اعتراض همراه است و ماهیت آن این است که در صدر رفع نقضی که وجود دارد اقدام به انتقاد و مطالبه می شود؛ قشر دانشجو باید حواسش به این موضوع باشد که نحوه ی بیان اعتراض او، اعتراض به نظام تلقی نشود. چرا که دشمن منتظر این است که اعتراض به حق مردم را به صورت اعتراض به نظام به مخاطب القا کند. رهبر انقلاب مطالبه ای را لازم و مطلوب می دانند که صرفا اعتراض و انتقاد نباشد. زیرا به تنهایی تاثیر بلند مدتی نخواهد داشت. بلکه باید مطالبه همراه با پیشنهاد و ارائه راه حل های ممکن باشد و از فضای پر خاش و بدگویی دور باشد. لذا جریان دانشجویی باید توجه داشته باشد روش مطالبه گری و اعتراض خود را چگونه انتخاب می کند تا نتیجه ی مطلوب را داشته باشد.

همچنین با توجه به بیانات رهبر در دیدار دانشجویی، دولت جوان و انقلابی که صرفا یک جوان سی و چند ساله نیست که بیابید رئیس دولت شود بلکه دولتی سر پا و با نشاط است و در سنین آماده ی کار و تلاش قرار دارد و می تواند در سنین بالا نیز همچون شهید سلیمانی کار های جوانانه انجام دهد؛ چنین دولت حزب الهی و مومنی می تواند علاج مشکلات کشور باشد و کشور را از راه های دشوار عبور دهد. پس جریان دانشجویی در کنار مسئولین این دولت می توانند همصدا با هم برای رسیدن به آرمان های عدالت، استقلال، رفع فساد و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی تلاش کنند و صدای مستضعفان باشند.





## یک بام و دو هوا

مدیریت بحران‌ها کارآمد و موثر است. در محیط خانواده امکان رفع نیازهای عاطفی، اقتصادی، جنسی و ... به بهترین نحو و در قالبی متعدد و موثر وجود دارد. با کم‌رنگ شدن این بستر شرایط افراد از حالت ثابت به حالت متغیر و ناپایدار بدل می‌شود که رفع نیازها در هر بستر موقتی می‌تواند اتفاق بیفتد. بستر موقت اگر چه باعث رفع نیازهای موقت می‌شود اما آرامش و ثبات را ایجاد نمی‌کند و بر همین اساس جامعه‌ای که افرادش مدام در التهاب و تشویش باشند نمی‌توانند افعال بزرگی را صرف کنند و پیشرفت عظیمی را برای کشور و خودشان رقم بزنند. فلذا جامعه‌ی بدون خانواده شبیه جامعه‌ی سردرگمی است که رفع نیاز برای تبدیل به هدف می‌شود و پیشرفت و آبادانی به فراموشی سپرده می‌شود. چنین جامعه‌ای در آستانه انهدام اجتماعیست. بنابراین می‌توان گفت که بی شک یکی از حوزه‌های موثر در قوام یا فروپاشی هر حکومتی خانواده است.

حالا در نظر بگیرید با وجود اینکه برخی جامعه‌شناسان معتقدند جامعه ما در آستانه انقلاب جنسی است، ازدواج به غول بی شاخ و دمی تبدیل شده که نزدیک شدن به آن ترسناک به نظر می‌رسد و ۱۳ میلیون نفر جوان در انتظار ازدواج هستند که راه صحیح پاسخ به بخش عمده‌ای از نیازهایشان به راحتی حاصل نمی‌شود و مسئله‌ی جدی‌تر فرهنگ حاکم بر مسئله ازدواج و تشکیل خانواده است که دختران و پسران را از ازدواج زود هنگام منع می‌کند و زندگی آرمانی را با تاخیر در ازدواج به تصویر می‌کشد که فرد به تمام پیشرفتها و موفقیت‌هایش برسد و در نهایت به عنوان یک گزینه‌ی قابل بررسی به ازدواج هم بیاورد. از این منظر ازدواج ضرورت محسوب نمی‌شود بلکه یک امکان سخت و طاقت فرساست. وقتی راه درست و منطقی پاسخ به نیازها در اختیار افراد قرار نمی‌گیرد چه بسا فرد خودش به سمت تامین نیازها به صورت غیر مشروع می‌رود و از این رو کم کم با پدیده‌هایی چون ازدواج سفید، روابط خارج از عرف، افزایش سقط جنین و آزار جنسی کودکان و ... مواجه می‌شویم که راه مواجهه با آن‌ها یا نادیده گرفتن آن و پاک کردن صورت مسئله است و یا دفاع از وضع موجود و اصرار برای قانونی کردن مسائل غیر شرعی به بهانه‌ی کاهش آسیبها.

در موارد مختلفی نظیر منع ازدواج زیر ۱۸ سال، منع خشونت علیه زنان و ... با قوانینی مواجه هستیم که خانواده در آن به شکل یک پیکر واحد دیده نشده است. دغدغه‌ی حفظ یا تشکیل خانواده حداقلی است و گاه نتیجه عکس دارد. در عوض تلاش برای عادی سازی ازدواج سفید، روابط

آزاد جنسی و ... در بسترهای مختلف فضای مجازی یا حقیقی، ضربه‌های سهمگینی به پیکره خانواده می‌زند. امروزه تهاجم به حیا و عفت، تهاجم به مفهوم و نقش والای مادری و پدری و تقدس زدایی از ارزشهای متعالی همه و همه تکمیل کننده‌ی پازل نابودی خانواده است. البته که در جامعه‌ی ایرانی اسلامی، خانواده یک عنصر پویا و فعال است که هنوز طعم خوش دور هم جمع شدن‌های خانواده گسترده در خاطر افراد هست و تدین و تعهد در بین افراد آنها را به سمت تشکیل خانواده سوق می‌دهد اینکه در این وانفسای جنگ اقتصادی و شرایط پیچیده چقدر تلاشها به ثمر می‌رسد و ختم به خیر می‌شود بماند. اما مسئله اینست که در بحثی چون خانواده نیز مردم هستند که از مسئولین جلوترند. در حالیکه مراکز و بخشهای زیادی مدعی کار کردن بر روی موضوع زنان و خانواده هستند اما نه تنها بهبودی در شرایط وضعیت خانواده رخ نداده است بلکه مسئله پیچیده تر شده است. در حال حاضر مردم هستند که خودشان را با شرایط وفق می‌دهند. افراد خانواده به ویژه زن و مرد زیر بار فشار تعارض نقش‌ها کمر خم می‌کنند و باز به ایفای نقش خود می‌پردازند. حال آنکه وقتی از "خانواده" دم می‌زنیم و آن را قلب تپنده‌ی هر تمدنی می‌دانیم باید تمامی فعل و انفعالات جامعه را با اولویت خانواده تنظیم کنیم. خانواده کارویژه‌های فراوانی در تکمیل اضلاع مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و روانشناسانه یک تمدن دارد. لذا میان ضعف و قوت نهاد خانواده و افول و اقتدار یک تمدن ارتباط مستقیم وجود دارد. این در حالیست که در ساختارهای اجتماعی ما به هیچ وجه خانواده اولویت به حساب نمی‌آید!

همچنان بحث امنیت شغلی مادران شاغل، مرخصی زایمان، سیالیته زمان کاری زنان، مسئله‌ی درمان ناباروری و پیش از آن تسهیل ازدواج و مسائل اقتصادی و تامین معاش از مسائل جدی مربوط به خانواده است که راهکاری مشخص و به نفع خانواده برای آنها کمتر دیده می‌شود. باید به یاد داشت که اگر افاق ما حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است باید با شتاب بالا و با قدرت به سمت تصحیح ساختارها و اصلاح ذهنیت جامعه نسبت به خانواده اقدام کرد و بی شک خانواده برگ برنده‌ی تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب خواهد بود اگر تحکیم خانواده از سر زبان‌ها به باور قلبی تمامی مسئولین تبدیل شود. که گفته اند به عمل کار برآید به سخنرانی نیست!

## تحکیم خانواده در بستر فضای ازدواج دانشجویی

ذریه لعل خوشاب

کارشناس ارشد مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

در این یادداشت سعی میکنم با توجه به تجربیاتی که طی چندسال فعالیت در مسیر ازدواج دانشجویی داشته‌ام، نکاتی را منیاب نقاط قوت و ضعف این قبیل ازدواج‌ها که معمولاً در محیط دانشگاه شکل میگیرند ذکر نمایم. ازدواج دانشجویی در دوران دانشجویی زوجین یا یکی از آن‌ها اتفاق می‌افتد که با توجه به این نکته که صرفاً در محیط دانشگاه شکل بگیرد یا فقط شامل دوران دانشجویی باشد متفاوت است. اگر با توجه به فرایند طبیعی یک ازدواج به سیر انجام آن فکر کنیم مسئله اصلی که میتواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد، مواجهه اولیه و آشنایی دو فرد است. دو دانشجو با محیط‌های فرهنگی و خانوادگی متفاوت که در بستر دانشگاه مشغول تحصیل و فعالیت میشوند، ممکن است از استان‌های مختلف کشور با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت آشنا شوند و یا هم استانی باشند دارای اشتراکات فرهنگی بیشتر. نکته مهمی که باید بدان توجه کرد این است که این مواجهه اولیه و آشنایی ابتدایی که اتفاق می‌افتد چگونه و با چه سطحی سطحی از آگاهی خواهد بود. جوانی که وارد محیط دانشگاه می‌شود و برای زندگی مشترک و آینده خود برنامه ریزی میکند تا چه حدی آمادگی ساختن یک زندگی را خواهد داشت. در کنار داشتن آگاهی‌های لازم و ویژگی‌های شخصیتی و پختگی لازم برای تشکیل یک زندگی، وضعیت معیشتی زندگی آینده دانشجویی نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. اما در نگاه اول نحوه آشنایی با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران بسیار مهم است و باید نقش و جایگاه خانواده‌ها در این نوع ازدواج دیده شود. گاهی افراد خودشان بعد از بررسی و مشاهده رفتار و آداب طرف مقابل او را به عنوان یک گزینه مناسب در نظر می‌گیرند و به خانواده معرفی میکنند. یا در نوع دیگر بعد از بعد از بررسی و شناخت بیشتر وارد بحث‌های خانوادگی می‌شوند. گاهی اوقات نیز خانواده‌ها خودشان مستقیماً وارد عمل شده و به نهاد‌های دانشجویی برای پیدا کردن همسر مناسب برای فرزند خود از محیط دانشگاه متوسل می‌شوند. چگونگی ورود خانواده به این بحث نقش تعیین کننده‌ای در پیشبرد و موفقیت این نوع ازدواج‌ها خواهد داشت. در الگویی که خود دانشجوی فردی را به عنوان گزینه ازدواج در نظر می‌گیرد باید توجه داشت که قصد او از این رابطه چیست؟ و یا اساساً برای انتخاب همسر در محیط دانشگاه برنامه ریزی اولیه‌ای داشته‌اند یا خصوصیات فرد مقابل یا نکات دیگری او را به این فکر و تصمیم رسانده است؟ نکته دیگر اینکه دقیقاً مالک او برای انتخاب این گزینه چه بوده است؟ آیا بر اساس آگاهی و با در نظر گرفتن فاکتورهای اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، هم کف بودن و یکسان بودن سطح فرهنگ مذهبی بوده یا دچار یک حالت احساسی شده و یک سری ملزومات را فدای عواطف و احساسات خود نموده است؟ مولفه‌های مذهبی و دستورات دینی تا چه میزان در شروع و ادامه چنین روابطی لحاظ می‌شوند و مقصود از معاشرت‌هایی که در محیط‌های دانشجویی اتفاق می‌افتد چیست و چه سرانجامی خواهد داشت و چه تأثیری در روند تحصیلی افراد که اساساً به خاطر آن وارد دانشگاه شده‌اند دارد. اگر بر مبنای الگوهای فرهنگی مذهبی وارد این مباحث شویم و نقش خانواده‌ها و احترام به آن‌ها را در نظر بگیریم و دانشجو امکان اداره زندگی را به طور مستقل یا با حمایت موقت خانواده داشته باشد و مسائل فرهنگی و مذهبی را لحاظ کرده باشیم مسن توانیم به آینده ازدواج‌های دانشجویی امیدوار باشیم اما در صورت نقض هر یک از مولفه‌های اصلی، این نوع ازدواج علاوه بر بروز موانع عادی دچار چالش‌های جدی نیز خواهد شد. در الگویی که خانواده در جریان فعالیت و روند انتخاب همسر هستند و به صورت پشتیبان و مشاور عمل می‌کنند نتایج بسیار بهتری برای ازدواج‌های دانشجویی متصور است اما ورود خانواده‌ها به این موضوع نیز از روش‌های مختلف و با نتایج گوناگون همراه خواهد بود. گاهی خانواده بعد از اطلاع از انتخاب یا گزینه قرار گرفتن یک فرد برای همسری فرزندش وارد ماجرا می‌شود و گاهی خودش به نهاد‌های دارای صلاحیت و مومن و متعهد مراجعه می‌نماید تا با استفاده از خدمات معرفی همسر سروسامانی به زندگی فرزند خود بدهد. خدمات ازدواج دانشجویی از معرفی تا برگزاری جشن‌های ازدواج در دانشگاه‌های مختلف و به همت مسئولان و رابط‌های دانشجویی ارائه می‌شوند که همواره در دسترس خانواده‌های دغدغه مند است. البته مراجعه به این دفاتر هم فرهنگ خاص خود را می‌طلبد و نیاز به همکاری و همدلی نهاد خانواده و نهاد‌های دانشجویی برای شکل گیری یک ازدواج و انتخاب موفق دارد. تنظیم سطح توقعات به صورت معقول و نوع رفتار با مورد‌های معرفی شده از طرف این دفاتر از چالش‌های جدی این نوع معرفی‌هاست. از نقاط قوت ازدواج‌های دانشجویی با کمک نهاد‌های مذهبی معرفی کننده، با راحت تر شدن هم کفویابی و تشخیص نزدیکی اشتراک مذهبی و دستیابی سریعتر به اطلاعات اولیه مورد نیاز برای انتخاب همسر مناسب است که این نهادها بدون چشم داشت آن را ارائه می‌کنند. در صورت همکاری خانواده و ورود آن‌ها از ابتدا به این مسئله، از پیچیدگی‌های کار میکاهد و فضای مناسبی را برای ازدواج‌های دانشجویی فراهم میکند.

